



مطالعه حاضر مروری خلاصه است از روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در آسیا توسط کشورهای تازه صنعتی شده این منطقه از جهان. این بررسی بر عملکرد چهار کشور مهم این منطقه یعنی: جمهوری کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور متمرکز خواهد بود. کشورهایی که نه تنها منابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیا و در کشورهای در حال توسعه این منطقه محسوب می‌شوند، بلکه از جمله مهمترین منابع می‌باشند. طی دو دهه گذشته چهار کشور مزبور از جمله پویاترین سرمایه‌گذاران خارجی در جنوب آسیا بوده‌اند و امروزه نیز بزرگترین و یا دومین منبع اصلی سرمایه خارجی در میان کشورهای در حال توسعه منطقه تلقی می‌شوند (مطالعه هیل در سال ۱۹۹۰ بررسی جامعی در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیای شرقی است).

صادرات سرمایه‌گذاری از سوی کشورهای تازه صنعتی شده آسیا به سه دلیل عمده به وقوع پیوسته است: اول، سطح بالای کارایی صنعتی در فعالیتهایی که این کشورها در آن تخصصی عمل کرده‌اند. دوم برون‌نگری عمده که به بنگاههای صنعتی این کشورها امکان تماس مستمر با مناطق خارجی و کار در فضای رقابت بین‌المللی را داده است. سوم، کاهش روزافزون و سریع هزینه‌ها و تغییرات تکنولوژیکی (و لذا مزیت نسبی) که نیاز به تجدید ساختار صنایع داخلی و دگرگون‌سازی فرآیندهای تولیدی‌ای که کمتر رقابتی هستند را بوجود آورده است. پاره‌ای از این تجدید ساختارها، تغییر مکان فعالیتهای کاربر و با تکنولوژی پایین را به نواحی دارای دستمزدهای پایین در بر می‌گیرد. بخشی از تغییرات ساختاری نیز نیازمند استقرار فعالیتهای صنعتی نهایی نزدیک بازارهای جدیداً در شرف و رو به رشد جنوب شرقی آسیا است. به ترتیب انجام پاره‌ای از تغییرات مکانی هدف نهایی فرآیند تولید است. این مرور سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با شرکتهای فراملیتی کشورهای توسعه یافته بر پایه تقسیم کار میان بنگاههای با تکنولوژی بالا و تکنولوژی تولید تجربه شده آنها در کشورهای در حال توسعه نیز انجام می‌پذیرد. سرانجام، این کشورها در حال سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای OECD نیز هستند که در مطالعه حاضر مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

توازن میان این انگیزه‌های مختلف و فشارها

حرکت به سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی چهار کشور تازه صنعتی شده آسیای جنوب شرقی با توجه به قوت و ضعف اقتصاد این کشورها متفاوت است. استراتژی صنعتی شدن چهار کشور مزبور یکسان نیست و روشهای متفاوت آنها در زمینه صنعتی شدن، در الگوهای تولید فراسوی مرز این کشورها عیان است. اختلاف موجود میان این چهار کشور اغلب به دلیل این گرایش عمده که این کشورها را ذیل یک عنوان کلی طبقه‌بندی می‌کنند، پنهان می‌گردد و این امر می‌تواند موجب برداشتهای مشابه از عملکرد آنها گردد. شناخت و توجه به اختلاف موجود از نظر پیش‌بینی جریانانات آینده و پی‌آمدهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیا حائز اهمیت است.

بخش دوم بررسی حاضر به تشریح عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی چهار کشور مورد بحث در سالهای اخیر و تجزیه و تحلیل «برتری نسبی آشکاره» تولیدات خارجی این کشورها برحسب ساختارها و استراتژیهای صنایع داخلی اختصاص دارد. بخش سوم تجزیه و تحلیل مزبور را برای سالهای آینده ادامه می‌دهد و در بخش چهارم نتایج اصلی مطالعه ارائه می‌گردد.

الگوها و طبیعت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی کشورهای تازه صنعتی شده

مرتبط‌ترین اطلاعات سرمایه‌گذاری مستقیم توسط کشورهای تازه صنعتی شده متعلق به دهه ۱۹۸۰ است. جدول شماره (۱) اطلاعات در دسترس که براساس منابع مختلف گردآوری شده است را ارائه می‌نماید. مسائل مربوط به کمی‌نمودن جریان سرمایه‌گذاریها خارجی به‌وسیله کشورهای در حال توسعه کاملاً شناخته شده است و در مورد چهار کشور مورد مطالعه، تنها در مورد کره می‌توان تا حدودی به اطلاعات رسمی اطمینان داشت. تایوان اطلاعات «مصوب» خود را منتشر می‌سازد، معه‌ذا این موضوع رسماً شناخته شده است که این اطلاعات تنها یک دهم عملکرد واقعی است. سنگاپور و هنگ‌کنگ نیز اصولاً اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را گردآوری و منتشر نمی‌سازند.

باتوجه به این مشکلات شاخص بهتری برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اطلاعات گردآوری شده از کشورهای میزبان (که اکثراً ارقام

مصوب را در بر دارد و لذا دچار بیش تخمینی است) و گزارشات خبری می‌باشد. به‌رحال هیچ‌گونه ادعایی در مورد قابلیت اعتماد اطلاعات، به‌ویژه برای تایوان که در دو سال ۱۹۹۰ و ۱۹۸۹ سرمایه‌گذاریهای خارجی عمده‌ای را انجام داده است و اکنون بزرگترین سرمایه‌گذار در این گروه محسوب می‌شود، نمی‌توان داشت. با توجه به این آگاهی‌ها گزارشات اصلی در چهار کشور مورد بحث در این خصوص ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هنگ‌کنگ

تا سال ۱۹۸۹، هنگ‌کنگ از جمله سرمایه‌گذاران اصلی در آسیا بود و احتمالاً بزرگترین در تمامی کشورهای در حال توسعه. در حالی که سرمایه‌گذاریهای هنگ‌کنگ نسبتاً به‌صورتی گسترده در کشورهای همسایه پخش شده، معهداً از اواسط دهه ۱۹۸۰ کشور چین به عنوان اصلی‌ترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور بدل گردید. براساس اطلاعات دولت چین برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی واقعی طی یک دوره ۵ ساله (۸۸-۱۹۴۸)، هنگ‌کنگ ۶/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده که این رقم ۶۱ درصد کل سرمایه‌گذاری ۱۰/۸ میلیارد دلاری در این کشور بوده است. تخمین‌های شورای توسعه تجارت هنگ‌کنگ رقم مزبور را تا اواسط سال ۱۹۸۹، ۸/۴ میلیارد دلار نشان می‌دهد. دو رقم منطقی‌تر به نظر سازگار هستند. اندونزی و تایلند دیگر مقاصد اصلی عمده سرمایه‌گذاریهای هنگ‌کنگ هستند که از سوی دو کشور تازه‌صنعتی شده سنگاپور و تایوان تعقیب شده است.

در حالی که خدمات و تجارت در سرمایه‌گذاریهای هنگ‌کنگ بسیار بااهمیت است، دلیلی وجود ندارد که انتظار داشته باشیم که بر ترکیب صنعتی پس از اوائل دهه ۱۹۸۰ تغییر کرده این کشور مسلط باشد (CHEN 1983)، مطمئناً فعالیت‌های هنگ‌کنگ در چین تقریباً به‌طور کامل در بخش صنایع بوده است. در چارچوب صنعت، زمینه توسعه فعالیت‌های وسیعی وجود دارد، اما بخش اعظم این صنایع بر نقاط قوت عمده صنایع خود هنگ‌کنگ متمرکز شده است: نساجی، پوشاک، صنایع الکترونیک سبک و محصولات پلاستیکی. استثنائات عمده در این زمینه به‌نظر می‌رسد سرمایه‌گذاریهای منابع طلب در زمینه صنایع شیمیایی، فلزات اساسی، کاغذ و معادن غیرآهنی باشد، اما قدرت

کلی رقابتی شرکت‌های این کشور در گرو مزیت‌های مدیریتی و بازاریابی مربوط به تولید و فروش کالاهای مصرفی سبک قرارداد. (CHEN 1983). این مزیتها که (در ادبیات اقتصادی به مزیت‌های مالکیتی معروف است) وجود دارد و به‌وسیله یک توانایی کارفرمایی پویا حمایت می‌گردد، زاییده ذخایر سرمایه‌گذاری خارجی حجیم این کشور نیز هست. سهم هنگ‌کنگ در سرمایه‌گذاری آسیا به‌تنهایی معادل کل سرمایه‌گذاری ایتالیا که در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۲/۴ میلیارد دلار بود، می‌باشد. توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هنگ‌کنگ نمایانگر توجه به عوامل نژادی و منطقه‌ای است: «ارتباط چینی» بسیار فراگیر است (HILL 1990)، ارتباط زبانی و فرهنگی، عملیات هنگ‌کنگ را در استان گاندونگ چین از جذب بالایی برخوردار می‌سازد، در حالی که ارتباطات با جامعه تجاری چین در نواحی مورد نظر نیز مبادلات را آسان‌تر می‌سازد. کشش انجام سرمایه‌گذاری بیرونی به‌آن میزان است که هنگ‌کنگ تنها در چین حدود ۲ میلیون نفر را به استخدام درآورده است (در مقایسه با تقریباً ۸۵۰ هزار نفر داخل هنگ‌کنگ). اگر سایر سرمایه‌گذاریهای این کشور را در منطقه معادل یک میلیون اشتغال فرض کنیم، شرکت‌های هنگ‌کنگی تقریباً ۳/۵ برابر نیروی کار داخل خود را در خارج این کشور در استخدام دارند و مطمئناً بالاترین حد بین‌المللی شدن و صنعتی شدن تولید در سطح جهان.

روش متعارف شرکت‌های فراملیتی ممکن است پیشنهاد نماید که یک اقتصاد با این پیشرفتهای عظیم بین‌المللی در صنعت باید دارای مبانی صنعتی متنوع و ظرفیتهای تکنولوژیک عمیقی باشد (DUNNIG 1988). آشکارا این نکته در مورد هنگ‌کنگ صادق نیست. مزیت این کشور بر پایه استادی در تکنولوژیهای وارداتی برای موتاز کالاهای مصرفی سبک و بعضاً تولید این کالاها استوار است (ولز در سال ۱۹۸۳ ثوری جدیدی در خصوص شرکت‌های چندملیتی کشورهای درحال توسعه پیشنهاد کرده که به‌خوبی از عملکرد هنگ‌کنگ نشأت گرفته است). اکثر صنایع و شرکت‌های این کشور با توجه به استانداردهای بین‌المللی، خیلی کوچک هستند و در زمینه فعالیت‌های تحقیق و توسعه با اصولاً تلاش نمی‌نمایند و یا این تلاشها بسیار اندک است و

سرانجام از توانایی حرکت به‌سوی فعالیت‌های صنعتی که نیازمند تکنولوژیهای پیچیده‌تری هستند، عاری می‌باشند.

معهداً این امور موجب محدود ساختن توانایی آنها برای استقرار تسهیلات خود در ماوراء کار و استفاده از کارایی و مهارت این کشور برای رقابت در سطح بین‌المللی نشده است. آنچه که این امر را محدود می‌سازد توانایی ساختار صنعتی داخلی هنگ‌کنگ برای اعتلا و تعمیق این صنایع جهت پاسخگویی به هزینه‌های در حال افزایش است. پاره‌ای از بهبودهای در جریان تخصصی شدن هنگ‌کنگ (برای مثال از پوشاک با کیفیت پایین به پوشاک با کیفیت بالا) به‌وقوع می‌پیوندد، اما این تحول با محدودیتهای جدی در مقایسه با کشوری نظیر کره جنوبی روبروست که می‌تواند ساختار صنعتی خود را با صنایع سنگین‌تر و پیچیده‌تر متنوع سازد.

ساختار صنعتی و اقتصادی هنگ‌کنگ، به‌وسیله تاریخ منحصر بفرد آن (ساختار خوب آموزشی، مدیریت باثبات، حضور شرکت‌های خدماتی و تجاری انگلیسی‌گسترده با تاثیرات اقتصادی تعیین‌کننده، مهاجرت اولیه تعداد زیادی از مهندسان دارای مهارت نساجی و کارآفرینان شانگهای) و سیاست‌های اقتصاد آزاد شکل گرفته است. مبانی مهارتی و سوابق تجاری به‌این کشور این امکان را می‌دهد که به‌سرعت به بازار تکنولوژیهای «آسان» و در عین حال به روز جهان وارد و در آن تسلط یابد. معهداً، فقدان حمایت‌های صریح از فعالیت‌های تکنولوژیک و عمق بخشیدن به ساختار صنعتی هنگ‌کنگ، توانایی توسعه تخصصی و صنایع مهم را چه از لحاظ خود فعالیت و چه از نظر دانش فنی محدود می‌سازد (LALL 1990).

این محدودیتهای فشار بیشتری را برای بین‌المللی کردن تولیدات هنگ‌کنگ نسبت به کشورهای دیگر از لحاظ اندازه بازار مشابه (برحسب جمعیت) اما از لحاظ تکنولوژیک عمیق‌تر (نظیر سوئیس) به‌این کشور وارد می‌سازد. با این تفاوت که سوئیس می‌تواند یک صنعت قوی و پایه صادراتی را به‌وسیله ارتقای مستمر فعالیت‌های خود همزمان با تاسیس تسهیلات تولید خارجی حفظ کند. هنگ‌کنگ با دورنمای کاهش رشد صنعتی به‌دلیل افزایش رقابت در زمینه‌های اصلی تجارت این کشور، تخصصی شدن خدمات شرکت‌های فرعی خارجی این کشور روبروست. صادرات صنعتی داخلی هنگ‌کنگ

برپایه توسعه وسیع بخش تجارت خارجی این کشور متکی است. رشد صنعتی این کشور سالانه ۲ تا ۳ درصد است، در حالی که رشد صادرات انجام گرفته از سوی شرکت‌های هنگ‌کنگ در زمینه صنایع کاربر آنگونه که «کن» (CHEN 1989) ادعا می‌کند، بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است.

۴. در اکثر ابعاد، متنوع‌سازی ساختار صنعتی هنگ‌کنگ کندتر از رقبای این کشور بوده است، رقبایی نظیر کره جنوبی، تایوان و سنگاپور. مبانی تکنولوژیک هنگ‌کنگ نیز توسعه یافته نبوده و فقدان صنایع حمایتی لازم، توسعه بیشتر صنایع قدیمی‌تر این کشور، نظیر پلاستیک و الکترونیک را تقویت کرده است. این امر عمدتاً نتیجه سیاست عدم مداخله دولت در زمینه توسعه صنعتی گذشته این کشور بوده است. اگرچه کاملاً صحیح است که چنین عدم مداخله‌ای احتمالاً برای هنگ‌کنگ زمانی که این کشور مراحل اولیه صنعتی شدن برون‌نگر خود را آغاز کرده بود و محصولات کاربر عمده‌ترین اقلام صادراتی آن بود، لازم بوده است، اما اکنون زمان آن فرارسیده که دولت در این سیاست تجدیدنظر کند.

با تغییر مزیت‌های رقابتی، هنگ‌کنگ باید به سوی تکنولوژی‌های پیشرفته و محصولات باارزش افزوده بالاتر حرکت کند....

بنابراین در مجموع پیش‌بینی آینده هنگ‌کنگ بر پایه نقاط قوت خاصی متکی است که عملاً نقاط ضعف ساختار صنعتی داخلی این کشور نیز محسوب می‌گردد. مزیت‌های نسبی در مدیریت، تجارت و تامین مالی با بهره‌گیری از سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی در فعالیتهای خدماتی ادامه خواهد یافت.

سنگاپور

سرمایه‌گذارهای خارجی سنگاپور بسیار کمتر از هنگ‌کنگ است. براساس یک معیار سرانه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سنگاپور در آسیا (همانگونه که در جدول ۱ ارائه شده است) بالغ بر ۶۷۶/۸ دلار بوده است، در مقایسه با رقم ۲۱۶۵/۸ دلار هنگ‌کنگ، و احتمالاً این سرمایه‌گذارها در سایر مناطق جهان نیز بسیار کمتر است. در اولین نگاه احتمالاً این امر شگفت‌انگیز است، زیرا هر دو کشور دارای اقتصادهای باز، متکی بر تجارت، حمایت از سیاست‌های آزاد حرکت سرمایه‌گذارهای خارجی در داخل و خارج می‌باشند. علاوه بر اینکه

● فعالیتهای هنگ‌کنگ در چین، تقریباً به‌طور کامل در بخش صنایع بوده است.

● شرکت‌های هنگ‌کنگی تقریباً ۳/۵ برابر نیروی کار داخل خود را در خارج این کشور در استخدام دارند.

سنگاپور از ساختار صنایع «سنگین‌تری» نیز نسبت به هنگ‌کنگ برخوردار است (براساس اطلاعات گزارش توسعه جهانی ۱۹۸۹ بانک جهانی سهم صنایع سنگاپور در تولید ناخالص داخلی این کشور ۲۹ درصد است در مقابل ۲۲ درصد هنگ‌کنگ، در عین حال که سهم صنایع ماشین‌سازی و شیمیایی در ارزش افزوده صنایع سنگاپور ۵۴ درصد است و این سهم در هنگ‌کنگ ۲۲ درصد). به‌نظر می‌رسد که مزیت‌های مالکیتی در بخش صنایع سنگاپور بیشتر باشد.

تحقیقات کاملاً محدودی در زمینه فراملیتی‌های سنگاپور برحسب میزان تخصصی‌شدن و توانایی‌های آنها انجام گرفته است (PANGANDKOMARAN, 1985). به‌نظر می‌رسد این فراملیتی‌ها در بخش صنایع پرپاره‌ای از صنایع کاربر مونتاز قطعات الکترونیکی و مواد غذایی متمرکز شده باشد. سرمایه‌گذارهایی در زمینه صنایع منابع‌پر نیز انجام گرفته است (WHIT MORE 1989) و دولت سنگاپور به‌نحو مستقیم در تعداد زیادی از سرمایه‌گذارهای وسیع خارجی حضور دارد. ممکن است اطلاعات مندرج در جدول شماره (۱) سرمایه‌گذارهای سنگاپور در شرکت‌های فرعی شرکت‌های خارجی را به‌منظور انتقال بخشهایی از عملیات صنعتی سنگاپور که کاربر می‌باشد به کشورهای همسایه (به‌دلیل افزایش هزینه‌ها) را نیز در برگیرد.

اطلاعات نشان می‌دهد که برعکس انتظارات مبتنی بر ساخت صنعتی، سنگاپور سرمایه‌گذارهای بسیار کمتری از هنگ‌کنگ در خارج دارد. این تفاوت نسبی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی احتمالاً بیانگر، مزیت‌های مالکیتی پایین‌تر در بخش کارفرمایی بومی سنگاپور است. این ضعف را می‌توان در دو عامل جستجو کرد: اول، کارفرمایان محلی در سنگاپور نسبتاً ضعیف‌ترند و این کشور هرگز نظیر هنگ‌کنگ از منافع ورود تجربیات صنعتکاران

چینی به این کشور برخوردار نبوده است. و دوم، استفاده از استراتژی اتکاء بر سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی کشورهای پیشرفته صنعتی این کشور را به سرعت از لحاظ صنعتی به‌جلو رانده بدون آنکه توسعه خاصی را برای تواناییهای کارفرمایی آن در زمینه تکنولوژی پیشرفته به‌همراه داشته باشد.

سنگاپور به‌سرعت از یک کشور نمونه تولیدکننده کالای مصرفی کاربر فاصله گرفته است.

پاره‌ای از پیشرفتهای داخلی انجام پذیرفته (مثلاً در زمینه صنایع غذایی، بسته‌بندی و سایر فعالیتها نسبتاً ساده)، اما این اقدامات هرگز در مقیاس و سطح تکنیکی نبوده است که مزایای مالکیتی درخوری را در سطح بازارهای جهانی برای این کشور ایجاد نماید. شرکت‌های بومی بسیار محدودی وجود دارند که از توانایی تکنولوژیک برخوردار باشند (HILL, 1990). توزیع منطقه‌ای سرمایه‌گذارهای سنگاپور، بیشتر شبیه هنگ‌کنگ است، در حالی که این توزیع در چین اختلاف عمده‌ای دارد. قرابت و «ارتباط با چین» در این زمینه نیز مجدداً نقش اساسی را بازی می‌کند.

دولت سنگاپور با جدیت برنامه‌هایی را برای فعالیتهای سه‌جانبه این کشور در نواحی همسایه این کشور (یعنی مالزی و اندونزی) به‌منظور بهره‌برداری از تخصص‌های نسبی و منابع و مواد اولیه این کشورها، تحت بررسی دارد.

سنگاپور تلاش می‌نماید تا شرکت‌های فراملیتی خارجی را نسبت به ارتقای بیشتر سطح فعالیت آنها از صنایع کاربر و سرمایه‌پر به‌سوی طراحی محلی و توسعه داخلی ترغیب نماید. به‌این منظور سیستم آموزشی این کشور برای تربیت نیروهای کار ماهر و فنی‌پهتر و بیشتر و ارائه انگیزه‌های مختلف به شرکت‌های فراملیتی برای آموزش بیشتر نیروی کار و تحقیق و توسعه محلی را به‌خدمت گرفته است. در حالی که این استراتژی در پاره‌ای از موارد موفق بوده و مبنای نوآوری سنگاپور احتمالاً از هنگ‌کنگ قوی‌تر است، مشکلات کاملاً آشکاری وجود دارد: رشد تواناییهای تکنولوژیک محلی کاملاً وابسته به سرمایه‌گذاران خارجی است (و حمایت دولت). این شکل از بسط تحقیق و توسعه، حتی اگر به نحو محسوسی نیز بتواند افزایش یابد، ممکن است به‌صورت نسبی منافع خارجی اندکی را ایجاد نماید، زیرا در چارچوب فعالیت شبکه

تحقیق و توسعه بین‌المللی شرکت‌های فراملیتی انجام می‌پذیرد و احتمالاً تنها بر یک قسمت کوچک و خاص از فرآیند نوآوری این شرکتها متمرکز می‌گردد. مهمتر آنکه، برای استدلال مزبور، این اقدام نمی‌تواند به‌نحوی چشم‌گیر تواناییهای تکنولوژیک شرکت‌های داخلی را افزایش دهد.

سرمایه‌گذاریهای خارجی سنگاپور، بسیار شبیه هنگ‌کنگ بیانگر نقاط قوت و ضعف کارآفرینان داخلی استراتژی صنعتی خاص انتخاب شده این کشور است. با استفاده از موقعیت محلی و زیربنایها و مهارتها (که از هنگ‌کنگ بسیار پیشرفته‌تر است) سرمایه‌گذاریهای خارجی به این کشور جلب و سنگاپور به یک اقتصاد با درآمد بالا بدل شده است. معهذ، تاثیر کافرمایان بومی در این کشور با هنگ‌کنگ متفاوت است. یک پسیان صنعتی پیشرفته‌تر از نظر تکنولوژیک، به ضعف بیشتر کارفرمایان محلی منتهی شده است. این آن‌چیزی است که در بخش صنعت دیده می‌شود. در بخش خدمات، ممکن است تصویر متفاوتی وجود داشته باشد و شرکت‌های سنگاپوری ممکن است به‌خوبی راه رشد آینده خود را پایه‌های حرکت روزافزون تکنولوژی خدمات پیشرفته پیدا کرده باشند.

تایوان

به نظر می‌رسد که تایوان دارای سریعترین رشد سرمایه‌گذاریهای خارجی در میان جهان در حال توسعه باشد. تا همین اواخر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور تقریباً به‌صورتی مساوی بین کشورهای درحال توسعه (مجدداً همسایه) و کشورهای پیشرفته (عمدتاً آمریکای شمالی) توزیع شده بود. همانگونه که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد. بخش اعظم این سرمایه‌گذاری در بخش صنایع انجام گرفته، اما سرمایه‌گذاریهای جذاب روی منابع طبیعی و خدمات نیز در مجموع با ۳۲ درصد کل سرمایه‌گذاریهای جذاب روی منابع طبیعی و خدمات نیز در مجموع با ۱۳۲ درصد کل سرمایه‌گذاری مستقیم این کشور دارای نقش بالهیتی در این زمینه می‌باشد.

قسمت عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تایوان از لحاظ تعداد، از سوی صنایع کوچک و متوسط این کشور انجام گرفته، اما مشارکت‌های عمده محدودی نیز به‌ویژه در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته از سوی شرکت‌های بزرگ صنعتی

تایوان صورت پذیرفته که تقریباً تا همین اواخر حجم آن قابل توجه بوده است. براساس اطلاعات رسمی در حدود ۷۳ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تایوان در صنایع شیمیایی و الکترونیک (که در هر دو زمینه شرکت‌های بزرگ فعال بوده‌اند) صورت گرفته است. بخش صنعت تایوان در سطح وسیعی توسط شرکت‌های کوچک و متوسط شکل گرفته است.

بخش صنعت فعالیت‌های وسیعی از صنایع کاربر تا مهارت‌طلب و تکنولوژی‌بر را شامل می‌گردد. در صنایع سنگین یا در سایر صنایع از لحاظ اقتصادی دارای مقیاس بزرگ، تایوان دارای گروه‌های خصوصی بزرگی به‌صورت مصرف‌کننده الکترونیک و متکی بر کامپیوترها و صنایع پلاستیک و شرکت‌های دولتی متعدد است (تایوان دارای بزرگترین بخش دولتی در میان کشورهای تازه صنعتی شده می‌باشد).

توانایی کارفرمایی بومی در تایوان در سطح بالایی توسعه‌یافته و استراتژی مداخله‌جویانه دولت، حمایت انتخابی و اعتلای زمینه‌های پویای برتریهای نسبی این کشور را قادر ساخته است که ساختار صنعتی متنوع‌تری از دو جزیره تازه صنعتی شده دیگر جهان ایجاد نماید. توسعه این کشور بر پایه موهبت‌های مهارت بالا از اولین مراحل توسعه صنعتی این کشور، به این کشور این امکان را بخشیده است که همگام با متنوع‌سازی ساختار، توسعه مجموعه نهادهای حمایت‌کننده از مهارت و توسعه تکنولوژی و بازاریابی را دنبال کند (LALL 1990, LEVY 1991). بنابراین پی‌آمدهای اقتصاد داخلی تایوان در سرمایه‌گذاریهای خارجی این کشور کاملاً متفاوت از مثلاً مورد هنگ‌کنگ است. متنوع‌سازی ساختار صنعتی تایوان و ارزشهای توانایی کارفرمایی محلی، به‌صورتی مستمر از سوی سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت برای حمایت و عمق‌بخشیدن به تواناییهای تکنولوژیک مورد توجه قرار گرفته است. و این به‌این معنی است که تجدید ساختار عمده در یک

● **تایوان دارای سریع‌ترین رشد سرمایه‌گذاریهای خارجی در میان جهان در حال توسعه است.**
● **تایوان دارای بزرگترین بخش دولتی در میان کشورهای تازه صنعتی شده می‌باشد.**

بنیان ثابت در چارچوب صنایع تایوان با رشد انگیزه‌های داخلی عمده انجام شده است. به‌رحال تاثیر تجدید ساختار صنایع کوچک و متوسط تایوان به توانایی تلاش‌گران محلی وابسته است که به‌سرعت این صنایع را به‌سوی ارزش افزوده بالاتر سوق می‌دهند. این امر احتمالاً به رشد شرکت‌های کوچک در سطح وسیع و حتی مداخلات قوی‌تر دولت در جهت حمایت از فرآیند کسب تکنولوژی متکی است. در حالی که ساختار تکنولوژی پیشرفته تعداد زیادی از صنایع کوچک و متوسط را قادر به توسعه تواناییهای خود می‌کند، سایر شرکت‌ها، همانگونه که در هنگ‌کنگ انجام گرفته است، می‌توانند از طریق تجدید ساختار به صورت انتقال تولید به خارج کشور و یا خروج جمعی از یک صنعت خاص اقدامات لازم را انجام دهند. برعکس هنگ‌کنگ، تایوان دارای تعداد زیادی صنعت بزرگ است، با محصولات شناخته‌شده، تواناییهای تکنولوژیک پیشرفته و شبکه‌های فروش وسیع، سرمایه‌گذاریهای خارجی این کشور در کشورهای در حال توسعه با توجه به مزیت نیروی کار ارزانتر و منابع طبیعی فراوان صورت می‌پذیرد.

هدف از سرمایه‌گذاری در کشورهای پیشرفته، دارا بودن جای پای محکم در این کشورها، ارتقای نام تجاری محصولات و کسب موفقیت در زمینه تکنولوژیهای پیشرفته در پاره‌ای از موارد و تضمین دسترسی به مواد اولیه نظیر کاغذ یا مواد شیمیایی از آمریکاست. امتیارات مالکیتی این سرمایه‌گذارها بسیار با مجموعه سابق متفاوت است و بیشتر بر پایه داراییهای توسعه‌یافته تکنولوژیک توسط سرمایه‌گذارها در آموزشهای رسمی تحقیق و توسعه و عملکرد متقابل با ساختار علوم و تکنولوژی متکی است.

در جریان صنعتی‌شدن تایوان، دولت این کشور منابع وسیع ارزی موردنیاز را تامین و فضای سیاسی مساعد خارجی را فراهم ساخته و از سال ۱۹۸۵، فعالانه به افزایش سرمایه‌گذاریهای خارجی همت گمارد. مقررات وضع شده دولت فوق‌العاده آزاد بود و به شهروندان این کشور اجازه می‌داد که سالانه بدون اجازه تا ۵ میلیون دلار در خارج تایوان سرمایه‌گذاری کنند. از آنجا که سرمایه‌گذاری در چین رسماً امکان‌پذیر نبود، شرکتها از این امتیاز فضای آزاد برای استقرار تسهیلات تولیدی خود

در این کشور به صورت غیر رسمی استفاده کردند. این امر موجب تشویق پاره‌ای از شرکتها برای هجوم به سمت همکاریهای خارجی و دست‌یازیدن بدان حتی بدون آمادگی کافی شد (تایمز مالی - ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۰ - صفحه ۲۱).

جمهوری کره جنوبی

کره کمترین سرمایه‌گذاری خارجی را در میان چهار کشور تازه صنعتی‌شده داراست: اگرچه این کشور دارای وسیعترین، سنگین‌ترین و پیشرفته‌ترین ساختار صنعتی در این گروه می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور در اوایل سال ۱۹۹۰ به ۱/۶ میلیارد دلار بالغ گردید که گویای رشد سریع آن از سال ۱۹۸۹ است، سالی که جمع کل سرمایه‌گذاری خارجی کره معادل ۱۷۲ میلیون دلار بود. طی این دوره، سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی صنعتی کره بسیار سریع رشد کرده است، از ۱۷/۱ درصد کل سرمایه‌گذاریها در سال ۱۹۸۵ به ۳۵/۳ درصد در سال ۱۹۸۹ (بانک توسعه کره - ۱۹۹۰). سرمایه‌گذاریها در بخش اولیه در حدود ۳۳/۲ درصد این سرمایه‌گذاریها و تجارت، حمل‌ونقل و ساختمان بقیه آن را تشکیل می‌دهند. برحسب مقصد این سرمایه‌گذاریها، ایالات متحده آمریکا اول است (با ۴۳ درصد) پس از آمریکا کشورهای آسیای جنوب شرقی با ۳۰/۵ درصد قرار دارد. سایر مناطق جهان که بخش کاملاً کوچکی از سرمایه‌گذاریها را به خود اختصاص داده است، عبارتند از: استرالیا ۷/۱ درصد، خاورمیانه ۶ درصد، اروپا و آمریکای لاتین ۵/۲ درصد و آفریقا ۲/۴ درصد. به‌رحال توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاریهای کره بسیار وسیع‌تر از دیگر کشورهای تازه صنعتی‌شده است.

شرکت‌های بزرگ کره‌ای حجم عظیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کره (۹۰ درصد) را در اختیار دارند و این امر نشان‌دهنده تمرکز بسیار بالاتر سرمایه‌گذاریهای خارجی این کشور نسبت به دیگر کشورهای تازه صنعتی‌شده است. این واقعیت گویای سطح بالای بازار متمرکز داخلی این کشور است. بخش صنایع کره تحت تسلط تعداد نسبتاً کوچکی از گروه‌های بزرگ صنعتی خصوصی (معروف به CHAEBEL) قرار دارد که از این لحاظ متمرکزتر از حتی ژاپن است (و بسیار بالاتر از تایوان). این چنین ساختاری آگاهانه از سوی دولت ایجاد شده است که از یک استراتژی مداخله‌جویانه بسیار وسیع برای حرکت به سمت صنایع با مقیاس بزرگ پیچیده،

نیازمند تکنولوژی و همزمان محدود کردن جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم که به حمایت از ایجاد مالکیت ملی انجامید، پیروی کرده است. در کره این ضرورت احساس شده بود که شرکت‌های بزرگ و متنوع ایجاد شود تا ریسک سرمایه‌گذاریهای ضروری در فعالیتهای با تکنولوژی بالا و مهارتهای پیچیده که در بازار جهانی رقابتی است، قابل قبول گردد. مجتمع‌های بزرگ صنعتی خصوصی به‌عنوان طرف صحبت و پیشگام اجرای استراتژی دولت عمل کرده‌اند و از طریق حمایت علیه واردات و حضور شرکت‌های فراملیتی، از طریق اعطای اعتبارات سوئیس شده و سرمایه‌گذاریهای وسیع در آموزش زیربناسازی و شبکه علوم و تکنولوژی مورد پشتیبانی قرار گرفتند (بانک جهانی - ۱۹۸۷). این ویژگیهای استراتژی کره جنوبی، در میان کشورهای درحال توسعه منحصر به فرد است. کشوری با صنایع برخوردار از یک سطح تکنولوژیک و قدرت رقابتی غیرقابل باور در جهان سوم (LALL, KELL - 1991). سطوح اولیه بسیار بالای مداخله دولت، ساختار صنعتی را ایجاد کرده است که اکنون می‌تواند به‌صورت خود اتکاءتر از مثلاً تایوان که مداخله کمتری را در ابتدا به‌خدمت گرفت توسعه یابد، اما اکنون نیازمند غلبه بر مرزهای ورودی بالا در فعالیتهای پیشرفته هستند.

این ویژگیها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایین کره را در مقایسه با اقتصادهای با مزیت‌های مالکیتی کمتر را نیز توضیح می‌دهند. نیرویی که مجتمع‌های صنعتی بزرگ خصوصی کره را جهت تغییر محل تولید آنها به نقاطی با دستمزدهای پایین‌تر حرکت داده بسیار کمتر از نیرویی بوده است که بر اقتصادهای با سهم بالای شرکت‌های متوسط و کوچک و فعالیتهای تکنولوژیک محدود با آن روبرو بوده‌اند. طبیعتاً پاره‌ای از شرکت‌های کوچک و متوسط

● **کره جنوبی دارای وسیع‌ترین، سنگین‌ترین و پیشرفته‌ترین ساختار صنعتی در میان چهار کشور تازه صنعتی‌شده است.**

● **تمامی شاخص‌ها بیانگر این امر است که کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهای تازه صنعتی‌شده آسیای جنوب شرقی در دهه ۱۹۹۰ به رشد خود ادامه خواهد داد.**

کره‌ای وجود دارند و اکنون در واکنشی مشابه شرکت‌های هنگ‌کنگی و تایوانی عمل می‌کنند اما این شرکتها سهم کوچکی از کل پروژه‌های خارجی کره را دارا هستند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی مجتمع‌های بزرگ صنعتی خصوصی بیشتر به سمت در اختیارگرفتن سهم بازار در کشورهای میزبان هدایت شده است (عمدتاً در کشورهای آسیای جنوب شرقی و کشورهای صنعتی) و یا به منظور دستیابی به تکنولوژیها و مهارتهای خاص و به‌میزان کمتری برای دستیابی به نیروی کار ارزانتر انجام گرفته است.

باتوجه به این ساختار صنعتی می‌توان انتظار داشت که تغییر محل نسبتاً سریع صنایع کوچک و متوسط کره‌ای در صنایع کاربر به‌وقوع بپیوندد (همانگونه که در ژاپن در دو دهه قبل اتفاق افتاده است). این حرکت با تجدید ساختار داخلی صنایع (نظیر تایوان) همراه گردیده است. اما این تجدید ساختار با همکاری یک مجموعه از صنایع کوچک و متوسط دارای تکنولوژی بالاتر توسط رهبران صنعتی انجام گرفته است. رشد مستمر سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم کره باید از سوی مجتمع‌های بزرگ صنعتی این کشور انجام پذیرد و در مراحل بعد از سوی نسل جدید شرکت‌های کوچک و متوسط با مزیت‌های مالکیتی کاملاً متفاوت از شرکت‌های اکنون، ادامه یابد.

همانگونه که خاطر نشان گردید، مزیت‌های مالکیتی مجتمع‌های بزرگ صنعتی خصوصی، ناشی از سرمایه‌گذاری بالا در تحقیق و توسعه است. سرمایه‌گذاریهایی که بسیار حجیم‌تر از سایر کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است. لذا، تحقیق و توسعه تامین مالی شده از سوی شرکت‌های تولیدی در کره اکنون در حدود ۱/۹ درصد تولید ناخالص ملی این کشور است، در مقایسه با ۰/۶ درصد تایوان یا ۰/۲ درصد سنگاپور یا ۰/۱ درصد کشورهای نظیر برزیل و هند (LALL - 1990). عملکرد کره حتی فراسوی بسیاری از کشورهای OECD (نظیر اسپانیا، یونان، اتریش، دانمارک، کانادا، استرالیا) است. اگرچه بسیار کمتر از رقم ۲/۷ درصدی ژاپن می‌باشد. ارتباط میان این امر و محدودیتهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کره را نباید فراموش کرد. کره پس از هند از نظر اتکاء محدود به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقام دوم قرار دارد: برحسب درصد تولید ناخالص ملی. موجودی سرمایه خارجی کره در اواسط دهه

۱۹۸۰ به تولید ناخالص داخلی این کشور به ۲/۲٪ بالغ گردید که این رقم برای هند ۱/۵-۱٪، ۸/۱٪ برای تایوان، ۲۰ تا ۲۶٪ برای هنگ‌کنگ و رقم عظیم ۵۳/۸٪ برای سنگاپور بوده است. بالاخره بسیار باارزش است که سرمایه‌گذاری حجمی کره برای ایجاد مهارت‌ها مورد توجه قرار گیرد: ثبت‌نام شدگان دوره‌های آموزش عالی کره در سال ۱۹۸۵ به ۳۲ درصد افراد گروه سنی مزبور بالغ گردید در مقایسه با ۱۳٪ در تایوان و هنگ‌کنگ ۱۲٪ سنگاپور، ۱۱٪ برزیل، ۱۶٪ مکزیک و ۹٪ هند. برای توسعه صنعتی کره سرمایه‌گذاری در مهارت‌های فنی بسیاری انجام گرفته است: ثبت‌نام آموزش عالی در زمینه علوم و تکنولوژی به‌عنوان درصدی از کل جمعیت کره به ۱/۳۹ درصد بالغ می‌گردد، در مقایسه با ۱/۰۶٪ تایوان، ۰/۸۹٪ سنگاپور، ۰/۶۷٪ هنگ‌کنگ، ۰/۲۱٪ هند (LALL 1990, LALL (1991) این ترکیب سطوح مهارتی بالا با اثر تکنولوژیکی در چارچوب مجتمع‌های بزرگ صنعتی با گرایش صادراتی قوی و حمایت‌شده از سوی یک زیربنای تکنولوژیکی و علمی کاراست که ساختار صنعتی کره و عملکرد آن را نمونه ساخته است.

تایوان پاره‌ای از ویژگی‌های مزبور را دارا است، اما نه با استحکام، ترکیب مقیاس، تلاش تکنولوژیکی مستقیم و نتایج الگوهای مختلف مداخله انجام گرفته توسط دو دولت. سایر کشورهای تازه‌صنعتی شده بسیار باکره متفاوتند. در بلندمدت، در مجموع تولید بین‌المللی کره بسیار شبیه ژاپن خواهد بود که در سایر زمینه‌ها با موفقیت با آن هم‌ترازی می‌کند. بعد از یک شروع آهسته در مقایسه با رقبای اصلی، در آسیای شرقی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کره ممکن است بسیار قوی‌تر گردد: به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های تکنولوژی و مهارت‌بر (اگرچه هیل انتظار دارد که رشد آن از تایوان کمتر باشد - ۱۹۹۰). نقش تغییر مکان خارجی در تجدید ساختار صنایع داخلی و تسهیلات در کره کمتر از سایر کشورهای تازه صنعتی شده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر گویای قدرت رویه رشد صنایع کره است.

سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای تازه‌صنعتی شده در دهه ۱۹۹۰
تمامی شاخص‌ها بیانگر این امر است که کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهای

تازه‌صنعتی شده آسیای جنوب شرقی در دهه ۱۹۹۰ به رشد خود ادامه خواهد داد. عوامل موجود برای افزایش عظیم این سرمایه‌گذاری‌ها در دهه گذشته همچنان به‌قدرت خود باقی است، و اگر اتفاقی رخ ندهد، قوی‌تر نیز خواهد شد. در سمت عرضه، رشد اقتصادی این کشورها به صورت سالمی ادامه خواهد داشت، علیرغم رکود در پاره‌ای از بازارهای عمده این کشورها. فشارهای رقابتی که سرمایه‌گذارهای خارجی را تشویق می‌کند، در حال افزایش است و دولتها فعالانه تنوع بخشیدن به فعالیت‌های خارجی را حمایت می‌نمایند. با توجه به رشد سرمایه‌گذاری‌های خارجی، نوعی اثر بهمینی "SNOWBALL EFFECT" وجود دارد.

سرمایه‌گذاران متقاعد می‌شوند که اطلاعات در دسترسی بیشتری وجود دارد و شبکه تماس خارجی قوی‌تر می‌گردد. در سمت تقاضا، به‌نحوی مشابه، بهبودهایی در فضای سرمایه‌گذاری ایجاد شده است. زیربناها، خدمات حمایتی و مهارت‌ها در کشورهای آسیای جنوب شرقی سرمایه‌گذارها را جذاب‌تر و بهتر ساخته است. بازارهای داخلی «نسل جدید کشورهای تازه صنعتی شده» در حال رشد است.

برخی از این کشورها آنچنان از نظر منابع طبیعی غنی هستند که کشورهای تازه‌صنعتی شده قبلی از آن بهره‌مند نبوده‌اند. بنابراین هم صادرات و هم بازارهای داخلی از رشد اجتماعی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حمایت می‌کنند. چین، تایلند و اندونزی، عمده‌ترین مقاصد این سرمایه‌گذاری‌ها بوده‌اند. مستقل از بحث عدم قطعیت‌های سیاسی احتمالاً در دهه ۱۹۹۰ این الگو ادامه خواهد یافت: اگرچه مالزی باید بتواند سهم خود را افزایش دهد.

نیروی این اقتصادها، اقتصادهای غیرسوسیالیست، احتمالاً تقویت نیز خواهد شد. عامل موثر در این رابطه، تحرکات سیاسی مرتبط با هماهنگی‌های نزدیکتر (حتی ادغام) این کشورهاست.

همکاری سه‌جانبه مالزی، اندونزی و سنگاپور، قبلاً مورد توجه قرار گرفته است. همراهی کره جنوبی با «آسه‌آن» در دستور کار قرار دارد. تایوان علیرغم درگیری‌های سیاسی، یک شریک در حال رشد فعالیت اقتصادی در منطقه است. بزرگترین عدم قطعیت در افق سیاسی منطقه به تحول چین و تاثیر آن کشور پس از تحول هنگ‌کنگ در سال ۱۹۹۷ باز می‌گردد.

حرکت و پتانم به سمت یک اقتصاد آزاد و روابط بهتر میان دو کره و امکانات آینده برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی کشورهای تازه‌صنعتی شده مساعد است.

باتوجه به دورنمای مساعد کلی فوق برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان تازه صنعتی شده‌ها در دهه ۱۹۹۰، احتمالاً اختلافات اساسی در این خصوص میان کشورهای مزبور وجود خواهد داشت.

هنگ‌کنگ

این کشور احتمالاً به حرکت خود در زمینه صدور منابع خود به خارج و محدود کردن توسعه میانی صنعت داخلی ادامه خواهد داد. به‌رحال، این فرآیند نهایتاً نمی‌تواند ادامه یابد و میزان بهینه ساختار صنعتی آن کشور احتمالاً قبل از پایان دهه جاری حاصل می‌گردد. با توجه به صنعت و میانی تکنولوژیکی داخلی فراملیتی‌های هنگ‌کنگ، شرکت‌های فرعی آنها اگر بتوانند میانی تکنولوژیکی و مهارتی لازم را در خارج ایجاد کنند، احتمالاً ادامه حیات خواهند یافت و تمرکز آنها احتمالاً حرکت از سمت صنعت به‌سوی بخش خدمات خواهد بود. هنگ‌کنگ ممکن است به‌نحو فزاینده‌ای به یک کانال انتقالی برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی شکل گرفته در سایر کشورها، بدل شود، نقشی که قبلاً در چین انجام گرفته است. بعد از سال ۱۹۹۷، چین ممکن است از شبکه ارتباطی این کشور به‌عنوان میانی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خود استفاده کند. در بلندمدت، احتمالاً هنگ‌کنگ ممکن است موقعیت کنونی خود را به‌عنوان صادرکننده سرمایه در میان جهان سوم از دست بدهد. به‌رحال در شرایط کنونی این کشور به نقش خود به‌عنوان یک منبع عمده سرمایه‌گذاری در صنایع سبک و صادراتی ادامه خواهد داد.

سنگاپور

سنگاپور احتمالاً به‌عنوان یک بازیگر عمده و مهم در بازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیای جنوب شرقی باقی خواهند ماند. اتکای اساسی این کشور به شرکت‌های فراملیتی کشورهای پیشرفت، به‌این معنی است که شرکت‌های این کشور، احتمالاً، مزیت‌های مالکیتی قوی در زمینه‌های مختلف صنعتی نخواهند داشت. در این خصوص، ممکن است نظیر هنگ‌کنگ (یا نظیر یکی دو کشور دیگر) سنگاپور به‌نحو فزاینده‌ای به‌عنوان یک مرکز

برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاران مشترک از سوی سرمایه‌گذاران دیگر کشورها عمل نماید. آینده سنگاپور، به‌نحو فزاینده‌ای به خدمات پیچیده وابسته است و در این خصوص طیف وسیعی از خدمات شبکه مالی، کشتیرانی، اطلاعات، تعویض قطعات یدکی و دیگر خدمات وجود دارد. علاوه بر میانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خود سنگاپور، از طریق همکاری سه‌جانبه با مالزی و اندونزی و وجود زیربنای پیشرفته ایجاد شده، انتظار ورود سرمایه خارجی وسیعی از طریق شرکت‌های فراملیتی OECD در منطقه وجود خواهد داشت.

تایوان

این کشور احتمالاً به‌رشد حضور خود در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو صورت آن، فعالیت با تکنولوژی پایین شرکت‌های کوچک و متوسط و سرمایه‌گذارهای پیچیده‌تر از سوی شرکت‌های بزرگتر (و احتمالاً پاره‌ای از شرکت‌های

کوچک تجدید ساختار شده) ادامه خواهد داد. طی دهه آینده، احتمالاً شرکتها بزرگتر خواهند شد. مشکل بتوان پیش‌بینی کرد که با چه سرعتی شکل جدید سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی در منطقه آسیا افزایش خواهد یافت. این سرعت بیشتر به توانایی شرکت‌های داخلی تایوان برای به‌هنگام‌سازی و کارایی فعالیتهای خود و تاثیر حمایت‌های به‌خدمت گرفته شده دولت این کشور وابسته است. اگر روابط سیاسی این کشور با چین بهبود یابد و فضای بازتر و آزادتری را برای سرمایه‌گذارهای تایوان در این کشور ایجاد نماید، گسترش سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی تایوان در بلندمدت کاملاً تضمین شده است.

به‌هرحال، باوجود میانی وسیع صنایع داخلی، فعالیتهای تایوان در چین، در زمینه‌های سنگین‌تری خواهد بود. در سایر نواحی جهان، به‌نظر می‌رسد به‌نحو فزاینده‌ای نقش روبه‌رشد سرمایه‌گذارهای خارجی در بخش صنایع از سوی تایوان ادامه یابد.

جدول شماره (۱)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهای تازه صنعتی‌شده در دهه ۱۹۸۰

مقاصد	هنگ‌کنگ	سنگاپور	تایوان	کره	مجموع
مالزی	۵۳/۵	۱۳۴/۲	۶۱/۲	۸/۵	۲۵۷/۳
اندونزی	۱,۳۶۱/۰	۲۸۱/۰	۳۰۳/۰	۱۷۹/۰	۲,۱۲۴/۰
تایلند	۱,۹۳۷/۹	۸۲۷/۸	۲۰,۱۵/۸	۱۹۹/۱	۴,۰۸۰/۶
فیلیپین	۵۰/۵	N.A.	۱۰۲/۲	N.A.	۱۵۲/۷
چین	۸,۴۰۰/۰	۲۹۲/۰	۱,۲۰۰/۰	-	-
بنگلادش	۴۷/۸	۱۷/۲	N.A.	۲۲/۲	۸۹/۴
سريلانكا	۱۶۸/۹	۳۶/۰	۲/۰	۱/۱	۲۰۸/۰
مجموعاً	۱۱,۱۱۹/۶	۱,۵۸۸/۴	۳,۶۸۴/۲	۴۱۱/۹	۱۶,۸۰۴/۱
هنگ‌کنگ	-	۷۳/۸	۳۰/۹	N.A.	۱۰۴/۷
سنگاپور	۵۴۰/۶	-	۸/۵	N.A.	۵۴۹/۱
تایوان	۴۰۰/۵	۶۷/۹	-	N.A.	۴۶۸/۴
کره	۱۲۱/۶	۲۹/۵	۳/۵	-	۱۵۴/۶
مجموع NIE	۱,۰۶۲/۷	۱۷۱/۲	۴۲/۹	(۸۳/۸)	۱,۲۷۶/۸
مجموع آسیای جنوب شرقی	۱۲,۱۲۸/۳	۱,۷۵۹/۶	۳,۷۲۷/۱	۴۹۵/۷	۱۸,۰۸۰/۰
مجموع جهان	N.A.	N.A.	۹,۰۰۰	۱/۶۲۸	-
کشورهای OECD	زیر ۵۰٪	زیر ۵۰٪	۵۰-۶۰	۵۵/۴	-

کره جنوبی
به‌نظر می‌رسد که کره بهترین دورنما برای رشد سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی را طی دهه ۱۹۹۰ دارا باشد. این امر تا حدودی به‌دلیل محدود بودن حضور این کشور در این زمینه است. علاوه بر این امر به‌دلیل ساختار صنعتی پیشرفته و متمرکز، که از مجتمع‌های بزرگ صنعتی خصوصی با منابع وسیع و تکنولوژیهای پیچیده شکل گرفته است، در منطقه آسیای جنوب شرقی، جذاب‌ترین کشورها برای کره کشورهای خواهند بود که از نیروی کار ارزانتر و منابع طبیعی صنعتی غنی‌تری برخوردارند به‌هرحال، در خلال زمان، نیروی کار ماهر ارزان نیز به ابزاری برای جذب فعالیتهای صنعتی پیچیده بدل خواهد شد: بیشتر از الگوی کنونی سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی ژاپن به‌هرحال، در غیاب «ارتباط چینی» شرکت‌های کره احتمالاً فعالیتهای خود را در نواحی وسیع‌تر از جهان استقرار خواهند داد. رشد منافع آنها در کشورهای اروپای شرقی سابق به‌صورت بازویی در این زمینه عمل خواهد کرد.

نیازی به گفتن ندارد که تمامی این پیش‌بینی‌ها، به‌شدت می‌توانند دچار تغییر شوند. این پیش‌بینی‌ها براساس مطالعه نقاط قوت سرمایه‌گذاران کشورهای تازه صنعتی شده و فرض تداوم رشد و ثبات در این منطقه صورت گرفته است. □

منابع:

WHITMORE, LALL AND HYUN (1989), -
KOREA DEVELOPMENT BANK, KDB
REPORT, 14:7, JULY 1990; UNCTC (1990).

* محسن طلایی: دانشجوی دکترا در رشتا اقتصاد و مدیر کل دفتر هماهنگی‌های اقتصادی و استراتژیک وزارت امور خارجه.
از وی که نیز عضو هیات علمی ماهنامه تدبیر است، به تازگی کتابی زیر عنوان روابط بین‌الملل (اتحادیه اروپایی ۲۰۰۰) توسط سازمان مدیریت صنعتی منتشر شده است.